وقتی سیاست از اخلاق جدا می‌شود

تأملی اخلاقی در سخنرانی یک روحانی سیاسی

مهدی پورحسین

سخنرانی اخیر سید محمدباقر خرازی در قم، از منظر سیاسی بازتاب‌هایی گسترده داشته و بخش‌هایی از جامعه سیاسی و رسانه‌ای کشور درباره مضامین و پیامدهای سیاسی آن به بحث پرداخته‌اند. با این حال، در ارزیابی این‌گونه سخنرانی‌ها، یک پرسش بنیادی‌تر نیز وجود دارد که نباید در هیاهوی تحلیل‌های سیاسی گم شود. آیا زبان و شیوه بیان یک روحانی و چهره دینی، با معیارهای اخلاقی اسلام سازگار است؟. روشن است که اخلاق در اسلام صرفاً یکی از موضوعات فرعی در کنار سیاست، فقه و اجتماع نیست، بلکه یکی از ارکان اساسی دینداری و شرط اعتبار کنش دینی است. قرآن کریم مؤمنان را به «قول سدید»، «قول احسن» و پرهیز از تمسخر، عیب‌جویی و لقب‌های تحقیرآمیز فرا می‌خواند. در سنت اسلامی نیز پیامبر(ص) هدف بعثت را تکمیل مکارم اخلاق معرفی کرده و امام علی(ع) حتی در شرایط منازعه سیاسی و جنگ، از یاران خود می‌خواهد که به «سبّاب» تبدیل نشوند.

از این منظر، حتی اگر محتوای سیاسی یک سخنرانی درست یا قابل دفاع باشد، استفاده از زبان رکیک و تحقیرآمیز نمی‌تواند با منطق اخلاقی اسلام توجیه شود. به‌ویژه هنگامی که گوینده لباس روحانیت بر تن دارد و سخنش برای بخشی از جامعه به‌عنوان سخن یک عالم دینی شنیده می‌شود، مسئولیت اخلاقی او مضاعف است زیرا او تنها سخنگوی یک جریان سیاسی نیست، بلکه عملاً در معرض ایفای نقش الگویی برای رفتار دینی جامعه قرار دارد. بنابر این، از منظر دینی نخستین پرسش در باره یک سخنران منتسب به دین، این است که شیوه سخن گفتن او با اخلاق اسلامی چه تناسبی دارد؟.

این پرسش را نباید به یک مسئله تشریفاتی یا مربوط به «ادبیات مؤدبانه» تقلیل داد. در اسلام، زبان صرفاً ابزار انتقال پیام نیست بلکه بخشی از شخصیت اخلاقی انسان است. کسی که درباره عدالت سخن می‌گوید اما در بیان خود عدالت را رعایت نمی‌کند، کسی که از دین سخن می‌گوید اما زبانش با کرامت انسانی بیگانه است، با یک تناقض جدی میان «محتوای پیام» و «شیوه پیام‌رسانی» مواجه است. از این رو، در ارزیابی سخنرانی اخیر آقای سیدمحمدباقر خرازی، شایسته است بحث از سطح «چه گفت؟» فراتر رفته و به پرسش «چگونه گفت؟» نیز برسد.

در سال‌های اخیر یکی از خطاهای برخی سیاست‌زدگان، آن است که پس از تقسیم تعالیم دینی به حوزه‌های «مهم» و «فرعی»، سیاست، قدرت، حکومت و منازعه اجتماعی را در مرکز قرار داده و اخلاق را به حاشیه می‌رانند در حالی که چنین اولویتی نه تنها با منطق قرآن و سنت اسلامی سازگار نیست بلکه عکس آن صادق است. قرآن کریم درباره پیامبر اسلام(ص) نمی‌گوید که عظمت او تنها به قدرت سیاسی، پیروزی نظامی یا توانایی اداره جامعه مربوط بوده است بلکه یکی از بنیادی‌ترین توصیف‌های قرآن درباره شخصیت پیامبر(ص) این است که: «إِنَّکَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِیمٍ». این آیه از نظر معرفت دینی بسیار مهم است: خداوند در معرفی پیامبر خویش، «خلق عظیم» را به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های او مطرح می‌کند. ازسوی دیگر، قرآن پیامبر را برای مسلمانان «اسوه حسنه» معرفی می‌کند: «لَقَدْ کَانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ». بنابراین، در منطق اسلامی، دین فقط مجموعه‌ای از گزاره‌ها و احکام نیست بلکه نوعی سبک زیستن و نوعی منش اخلاقی نیز هست که اهمیت آن بیشتر از پیروی خشک از احکام است.

در این منطق دینی، حدیث مشهور پیامبر(ص) که ازسوی برخی از همین سیاست‌زدگان مورد تردید قرار گرفته است، جایگاه ویژه‌ای دارد که: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَکَارِمَ الأَخْلَاقِ». لذا اگر گفته شود «دین پیش از آنکه سیاسی باشد، اخلاقی است»، گزافه نخواهد بود. با این رویکرد، هر رفتار دینی به ویژه سیاست، نمی‌تواند از اخلاق دینی مستقل باشد. سیاست اسلامی، در صورت اسلامی‌بودن، باید در چارچوب ارزش‌هایی چون عدالت، کرامت، صدق، رحمت و پرهیز از ظلم، توهین و تحقیر انسان‌ها عمل کند.

از همین رو است که قرآن کریم صرفاً توصیه کلی به «خوب بودن» نمی‌کند بلکه جزئیات رفتار یک متدین را نیز مد نظر دارد. از جمله درباره کیفیت سخن گفتن دستورهای صریح دارد مبنی بر آن که: «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِیداً ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الهی پیشه کنید و سخن استوار و درست بگویید.». «قول سدید» افزون بر دلالت بر سخن استوار، درست، عادلانه و حق‌محور، بر سخن مؤدبانه و با نزاکت نیز دلالت دارد. این مضمون در آیه: «قُل لِّعِبَادِی یَقُولُوا الَّتِی هِیَ أَحْسَنُ»، صریح‌تر است که به بندگان خود توصیه می‌کند نیکوتر سخن بگویند و بلافاصله به علت اجتماعی این دستور اشاره می‌کند که: «إِنَّ الشَّیْطَانَ یَنزَغُ بَیْنَهُمْ زیرا شیطان میان آنان نزاع و فساد ایجاد می‌کند». لذا این نکته برای یک فرد سیاسی به ویژه در کسوت روحانیت بسیار مهم است که زبان خشن فقط یک مشکل اخلاقی فردی نیست بلکه می‌تواند به تولید خصومت و نزاع اجتماعی بیانجامد. جالب‌تر آن که، قرآن حتی برای اختلاف و دشمنی نیز مرز اخلاقی تعیین می‌کند. چون ممکن است برخی بگویند: «طرف مقابل دشمن است، پس زبان تند و تحقیرآمیز اشکالی ندارد.»، اما قرآن حتی در شرایط دشمنی نیز چنین منطقی را نمی‌پذیرد. در سوره مائده در این باره آمده است: «وَلَا یَجْرِمَنَّکُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَى أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى دشمنی با یک گروه نباید شما را به ترک عدالت بکشاند عدالت بورزید که به تقوا نزدیک‌تر است». این آیه یک اصل بسیار مهم اخلاق سیاسی را بیان می‌کند که حتی نفرت از دیگری مجوز بی‌اخلاقی درباره او نیست. لذا اگر قرآن از انسان مؤمن می‌خواهد در برابر دشمن نیز عدالت را از دست ندهد، چگونه می‌توان در منازعات سیاسی داخلی، صرف اختلاف نظر را مجوز تحقیر و ناسزا دانست؟.

علاوه بر اینکه اساساً تمسخر، عیب‌جویی و لقب‌های تحقیرآمیز، در منطق دینی ممنوعیت مستقل دارد و براساس ادله فراوان، اختصاص به هم کیشان ندارد و ملاک ممنوعیت آن «انسان» بودن است. یکی از صریح‌ترین آیات قرآن در این زمینه، آیه ۱۱ سوره حجرات است: «لَا یَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ... وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَکُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ». قرآن در این آیه، سه رفتار را کنار یکدیگر قرار می‌دهد تمسخر، عیب‌جویی و نام‌گذاری تحقیرآمیز. این آیه برای اخلاق سیاسی امروز اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا بخش مهمی از ادبیات سیاسی معاصر، به‌جای نقد برنامه و عملکرد، به برچسب‌زنی شخصیت‌ها روی آورده است در حالی که منطق قرآن، به جای «تحقیر شخص»، «نقد رفتار» را می‌طلبد. نقد می‌تواند بسیار تند، جدی و حتی کوبنده باشد اما موضوع آن فعل، اندیشه، تصمیم یا عملکرد است ولی در توهین، به جای نقد رفتار، شخصیت و کرامت فرد مورد حمله قرار می‌گیرد. بنابراین یک روحانی می‌تواند با انقلابی‌ترین لحن ممکن یک سیاست را نقد کند، بدون آنکه به زبان تحقیر و فحاشی متوسل شود. بدیهی‌ترین امری که یک طلبه باید بداند این است که قاطعیت با بی‌ادبی متفاوت است. صراحت با فحاشی یکی نیست، شجاعت با هتاکی فرق دارد و انقلابی‌گری با شکستن حرمت انسان‌ها سازگار نمی‌باشد.

شاید یکی از آموزنده‌ترین شواهد در این زمینه، سخن امام علی(ع) در نهج‌البلاغه باشد که در ماجرای جنگ صفین، هنگامی که امام علی(ع) شنید برخی از یارانش به مردم شام ناسزا می‌گویند، آنان را از این کار بازداشت و فرمود: «إِنِّی أَکْرَهُ لَکُمْ أَنْ تَکُونُوا سَبَّابِینَ من خوش ندارم که شما ناسزاگو باشید.». سپس حضرت راه جایگزین را نشان می‌دهد و می‌فرماید: به جای دشنام دادن، اعمال و وضعیت طرف مقابل را توصیف کنید زیرا این روش در سخن درست‌تر و در استدلال راستر است. لذا اگر امام علی(ع) در یکی از شدیدترین منازعات سیاسی – نظامی تاریخ اسلام، به یاران خود می‌گوید «دشنام دهنده» نباشید، چگونه می‌توان در یک سخنرانی سیاسی معاصر، فحاشی و تحقیر را نشانه شجاعت دینی قلمداد کرد؟.

حتی اگر هدف یک جریان سیاسی، دفاع از عدالت، دین، استقلال، معنویت یا اصلاح جامعه باشد، استفاده از ابزارهای غیراخلاقی یک تناقض درونی ایجاد می‌کند. چون نمی‌توان برای دفاع از کرامت انسان، انسان‌ها را تحقیر کرد. نمی‌توان برای دفاع از اخلاق، اخلاق را قربانی کرد. نمی‌توان برای دفاع از دین، زبان دین را از فضائل اخلاقی تهی کرد. و نمی‌توان برای مبارزه با فساد، به روش‌های فاسدکننده شخصیت انسان متوسل شد. و در یک کلام در اخلاق اسلامی، هدف مقدس، هر وسیله‌ای را مقدس نمی‌کند. به همین دلیل است که خود قرآن حتی در اختلافات شدید، عدالت و سخن نیک را کنار نمی‌گذارد.

نکته مهم‌تر در این میان آن است که براساس روایات، دود بدزبانی یک مسلمان به چشم خودش می‌رود و خودش از منظر دینی به «فسق» متهم می‌شود. از جمله از امام باقر(ع)، از پیامبر(ص) نقل شده است: «سِبابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ ناسزا گفتن به مؤمن، فسق است».

پس باید توجه داشت که اگر چه رعایت موازین اخلاقی یک اصل رفتاری برای آحاد جامعه است اما یک روحانی، به دلیل جایگاه دینی خود، خواسته یا ناخواسته نماینده‌ای از فرهنگ دینی در ذهن جامعه است. وقتی یک سیاستمدار غیرروحانی سخن ناشایستی می‌گوید، ممکن است مخاطب آن را به شخصیت خودش نسبت دهد اما وقتی فردی با عنوان روحانی و عالم دین سخن می‌گوید، رفتار او می‌تواند در ذهن مخاطب با دین پیوند بخورد. به همین دلیل، روحانی نه فقط به دلیل «لباس»، بلکه به دلیل نقش الگویی، مسئولیت اخلاقی بیشتری دارد و این همان نقطه‌ای است که مسئله از «ادب شخصی» فراتر می‌رود و به مسئولیت اجتماعی روحانیت تبدیل می‌شود.

امام خمینی و آزادگان سرافراز

به مناسبت سالروز بازگشت آزادگان به میهن اسلامی

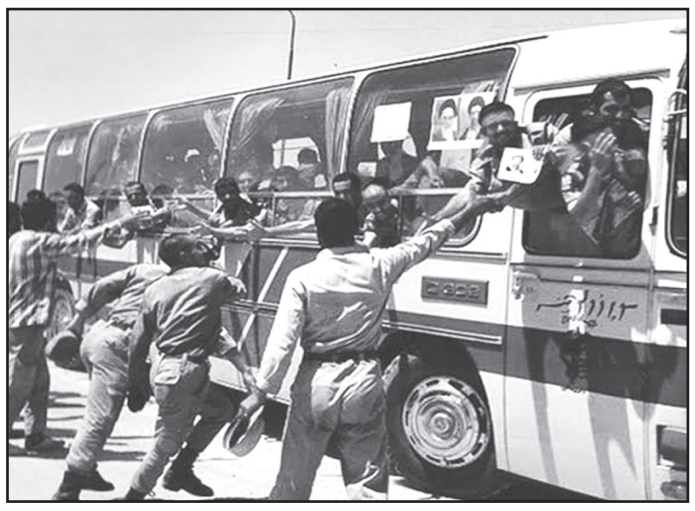

بیست و ششم مردادماه سالروز آزادی اسیران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است. جنگ تحمیلی رژیم بعثی عراق علیه ایران که نزدیک هشت سال به درازا کشید، علاوه بر خسارات مالی و جانی موجب اسیرشدن تعداد زیادی از نیروهای دو طرف شد. در طول جنگ حدود هفتاد هزار عراقی به اسارت نیروهای ایرانی درآمدند که با رعایت تمام قواعد بین‌المللی و موازین دینی از آنها نگهداری شد. امام خمینی به عنوان فرمانده جنگ باور داشت برخورد انسانی و حفاظت اسیران، از قواعد اصولی اسلام است و ایران نیز از این قاعده پیروی می‌کند. ایشان از نگاه فقهی نیز اهانت به اسیران را جایز نمی‌دانست و اسیران عراقی را در پناه اسلام و مملکت اسلامی می‌دانست، امام تمامی مسئولان اعم از ارتش، سپاه پاسداران و دیگران را به رفتار نیکو و انسانی و همراه با مهربانی با آنان توصیه می‌کرد و در این زمینه معتقد بود، آنان مهمان اردوگاه‌های ایرانند بنابراین باید مطابق الگوهای اسلامی و انسانی با آنان رفتار شود. همچنین باید طعم رحمت و بزرگواری اسلام را در اردوگاه‌ها به آنان چشاند تا در پناه حکومت اسلامی احساس آرامش کنند. ایشان تأکید داشت رزمندگان باید با اخلاق اسلامی با اسیران رفتار کنند و نمی‌توانند آنان را بکشند.

ازسوی دیگر در طول جنگ حدود ۴۵ هزار نفر از رزمندگان ایرانی به اسارت نیروهای عراق درآمدند. بسیاری از اسیران ایرانی از ابتدایی‌ترین حقوق که ثبت‌نام آنان در دفتر صلیب سرخ جهانی باشد نیز محروم بودند و خاطرات آزادگان گویای رنج و مشقت آنان در دوران اسارت است. جان اسیران ایرانی برای رژیم عراق اهمیتی نداشت و حتی اسیران دربند، گاه با شلیک بی‌دلیل نگهبانان و گاه با شکنجه بی‌رحمانه به شهادت می‌رسیدند؛ چنان‌که علاوه بر فشارهای روحی، بیدار نگاه‌داشتن افراد و آسیب جسمی شدید، عبور اسیران از تونل مرگ و زدن آنان با کابل به هنگام ورود، اوضاع نامناسب بهداشتی و درمانی، سهمیه‌بندی آب در تابستان و خوراندن آب آلوده به اسیران، جاروکردن محوطه میان بندها با کف دست، جلوگیری‌نکردن از بروز بیماری‌های واگیردار و شکنجه‌های بی‌دلیل، ممانعت از برگزار مراسم مذهبی، بخش کوچکی از رفتار وحشیانه ماموران عراقی با اسیران ایرانی بود. با همه فشارهای روحی و جسمی که در اسارت بر اسیران ایرانی وارد می‌شد، مقاومت و ایستادگی آنان بر ناملایمات و عدم کرنش در برابر دشمن ازجمله افتخارات ماندگاری است که اسرای ایرانی رقم زده و در خاطرات خود نیز ثبت کرده‌اند. در این میان نقش هدایتگرانه روحانیون در اردوگاه‌های اسارت، به‌ویژه مرحوم حجت‌الاسلام سیدعلی‌اکبر ابوترابی که در جایگاه رهبری آزادگان ایفای نقش می‌کرد، برجسته بود.

امام خمینی با اشاره به رفتار اسلامی با اسیران عراقی در ایران، خاطرنشان کرده است که در عراق در حق اسیران ایرانی ظلم و تعدی بسیاری روا داشته می‌شد. ایشان اسیران ایرانی را گرفتاران در دست جانی‌ترین دژخیم زمان می‌دانست و باور داشت مقاومت این اسیران در برابر رژیم عراق باعث شگفتی شده است. ایشان ضمن هشدار به مجامع بین‌المللی درباره خطرهای جانی ناشی از شکنجه اسیران ایرانی در عراق، توجه بیشتر آنان را به اسیران ایرانی به‌خصوص وزیر نفت (محمدجواد تندگویان) خواستار شد.

در شهریور و آذر ۱۳۶۰ پس از ماه‌ها مذاکره، مسئولان ایرانی توانستند، با سرپرستی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، نخستین گروه از اسرای دو طرف را مبادله کنند. در این مرحله، ۱۰۲ اسیر جنگی و غیر نظامی ایرانی که به شدت مجروح بودند، با ۱۶۲ اسیر جنگی عراقی مبادله شدند. مبادله جزئی اسیران در سال‌های بعد نیز در میان دو طرف تکرار شد تا اینکه حدود دو سال پس از پایان جنگ، در پی مذاکراتی که میان ایران و عراق شکل گرفت، در روز ۱۳۶۹/۵/۲۶، نخستین مرحله از تبادل کلی اسیران میان دو کشور صورت گرفت و در ادامه همه اسرای دو طرف به تدریج آزاد گشتند.

در دوران اسارت، میان رزمندگان اسیرشده ایرانی و امام خمینی ارتباط قلبی و احساسی شدیدی برقرار بود که در نامه‌های مختلف و سربسته آزادگان از زندان‌های عراق برای امام خمینی و پاسخ ایشان به آن نامه‌ها، نمود داشت. خاطرات آزادگان دربند نیز نشان می‌دهد عشق به امام خمینی آرام‌بخش سختی‌های اسارت و شنیدن خبر درگذشت ایشان سخت‌ترین و غم‌بارترین آروزها و سال‌های اسارت را برای آنان رقم زده است. اسیران ایرانی محبت خاص خود به امام خمینی را به شیوه‌های مختلف نشان می‌دادند. گروهی از آنان با تار و پود لباس خود برای ایشان هدیه می‌ساختند و آن را به صورت غیر مستقیم برای ایشان می‌فرستادند و گروهی در نامه‌های خود کلمات محبت‌آمیزی مانند «پدر» را برای امام خمینی به کار می‌بردند، از دوری ایشان اظهار دلتنگی و شکایت می‌کردند و از راه‌های مختلف از ایشان می‌خواستند نامه‌شان را پاسخ دهد. گاه نیز به صورت غیر مستقیم نامه‌ای کنایی می‌نوشتند و با لقبی مانند پدربزرگ، ایشان را مخاطب قرار می‌دادند و می‌خواستند آنان را پند واندرز دهد.

امام خمینی نیز با لحنی پدرانه و با عطوفت و مهربانی پاسخ آنان را می‌داد و ضمن آنکه برای آنان آرزوی بازگشت به وطن می‌کرد، از آنان می‌خواست همواره صبور باشند. ایشان در سخنرانی‌ها برای سلامت و بازگشت اسیران دعا می‌کرد و برای رعایت مسائل امنیتی، پاسخ محبت‌آمیز به فرزندان اسیر خود را با ادبیات خاص و به صورت رمزی می‌نوشت تا با خواندن نیروهای عراقی، برای آنان مشکلی ایجاد نشود. ایشان نامه‌های خود را با نام‌های مستعار مانند «عبد درگاه خدا»، «پدر پیرت خ» و «عبد» می‌فرستاد و در دلداری به آزادگان از آنان می‌خواست، نگران سختی‌ها نباشند و با نگاه به زندگی امام‌موسی کاظم(ع) که مدتی در گوشه زندان در رنج و سختی صبر کرد، برای اسلام صبر کنند.

ازسوی دیگر، امام خمینی خانواده‌های آزادگان را نمونه صبر و مقاومت می‌دانست و به فرزندان آنان سفارش می‌کرد با مادران خود با مهربانی رفتار کنند و در کنار آماده‌سازی خود برای دفاع از اسلام، با فراگرفتن علم و ادب و کوشش در راه به دست آوردن کمال انسانی و اخلاق اسلامی، فرزندان شایسته‌ای باشند. ایشان فرزندان اسیران را نور چشمان خود می‌دانست و کمک به آنان را از بزرگ‌ترین عبادت و خداپسندانه‌ترین ارزش اسلامی شمرده و به مسئولان توصیه کرده است در امور فرهنگی فرزندان اسیران دقت بیشتری کنند و آنان را از کودکستان تا دانشگاه به بهترین شکل حمایت کنند و سرپرستی آنان را برعهده داشته باشند.

آگهی تحدید حدود اختصاصی

در اجرای مفاد مندرج در تبصره ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی تحدید حدود پلاک ۲۷ اصلی واقع در حاجی آباد روستای سعادت آباد قطعه یک بخش هفت بندر عباس در تاریخ ذیل الذکر ساعت ۱۰ صبح در محل وقوع ملک بعمل خواهد آمد لذا بدینوسیله به عموم مالکین و مجاورین اخطار میگردد در ساعت و روز مقرر در آگهی در محل ملک حضور بهم رسانند بدیهی است در صورت عدم حضور، تحدید حدود ملک با معرفی مالک یا نماینده قانونی وی انجام خواهد شد در نتیجه در اجرای ماده ۲۰ قانون ثبت مجاوری که نسب به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند ظرف مدت سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود بوسیله اداره ثبت به مرجع صلاحیت دار عرض حال دهد. همچنین مستند به ماده ۸۶ آئین نامه قانون ثبت اعتراض باید کتبی و مستقیما به این اداره تسلیم گردد و معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست اعتراض به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی آن را به واحد ثبتی ارائه نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت محل تسلیم نماید. در این صورت نسبت به ادامه عملیات ثبتی بنام متقاضی اقدامات قانونی بعمل خواهد آمد.

۱ - پلاک ۱۷۵ فرعی از ۲۷ - اصلی بنام مجتبی بهرامی فرزند نعمت اله شش ۱۱۴۷ صادره از بندر عباس ششدانگ یک بابخانه به مساحت ۹۴۳/۹۱ مترمربع قطعه یک بخش هفت بندر عباس واقع در روستای سعادت آباد .

تاریخ تحدید حدود : شنبه ۱۴۰۵/۶/۲۱

شماره ۱۷۰۴/۳۱ م الف

تاریخ انتشار: دوشنبه ۱۴۰۵/۵/۲۶

داریوش آرمیون

رییس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان حاجی آباد

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان

آگهی ابلاغ مفاد آرا صادره از هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در ثبت شرق اصفهان

در اجرای ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و بر حسب ماده قانون مذکور آرا ذیل که از طرف این هیات مبنی بر تایید انتقال عادی و یا سهم مفروزی متقاضی صادر گردیده در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود تا شخص یا اشخاصی که به آرا مذکور اعتراض دارند از تاریخ اولین انتشار ظرف مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم نموده و در مهلت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض فرصت دارند نسبت به تقدیم دادخواست به دادگاه صالحه و ارایه گواهی مبنی بر طرح دعوی اقدام نمایند و اقدامات ثبت موکول به ارایه حکم قطعی دادگاه خواهد بود و در صورت انقضا مهلت و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود .

رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۰۲۷۰۰۶۶۱۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۶ افسانه عطائی فرزند مرتضی بشماره شناسنامه ۱۷۹۷۵ صادره از اهواز بشماره ملی ۱۷۵۰۶۶۳۰۰۷ در ششدانگ یکباب ساختمان احداثی بر روی قسمتی از قطعه زمین پلاک ۳۹۸۸ فرعی از اصلی ۱۵۱۹۰ واقع در بخش ۵ ثبت اصفهان به مساحت ۵۰/۸۱ متر مربع خریداری طی سند رسمی.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۰

شماره آگهی: ۲۲۵۰۲۲۸

حمیدرضا خسروی – رییس منطقه ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۲۶۰۰۸۰۰۰۱۵۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رزن تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی سلطانی همت به شناسنامه شماره ۳۹۸۰۱۸۹۸۴۸ کدملی ۳۹۸۰۱۸۹۸۴۸ فرزند مهدی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۷۱۳،۵۳ مترمربع پلاک شماره ۶۷۹ فرعی از ۱۵۶ اصلی قریه سلطان آباد واقع در همدان بخش ۵ حوزه ثبت ملک رزن خریداری عادی از دارنده سند بنام رستمعلی سلطانی همت فرزند غلامحسین محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۶/۱۰

م الف ۶۱۲

باب اله مرادی—رییس ثبت اسناد و املاک شهرستان رزن

کارت دانشجویی شماره ۹۷۱۱۱۶۲۰۰۷ متعلق به اینجانب وحید جمالپور مالک آبادی فرزند حاجتمراد دانشجو مقطع کارشناسی ارشد رشته مکانیک گرایش طراحی کاربردی دانشگاه ملی ملایر مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است ملایر

برگه سبز سواری دنا مدل ۱۳۹۹ با شماره موتور ۱۴۷H۰۵۴۶۸۱۳ و شماره شاسی NAAW۲۱HU۱LE۲۷۷۶۰۱ با شماره پلاک ۱۵۶د۴۳ ایران ۶۱ به اسم حمیده ناطقی مفقود شده است و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
بانه – حمیده ناطقی

آگهی مفقودی
برگ سبز و سندکمپانی خودرو سمند مدل ۱۳۹۱ بنام داود صدوقی کریزی به شماره پلاک ۳۶-۲۷۵ق۵۳ شماره موتور ۱۲۴K۰۰۳۲۴۰۵ شماره شاسی NAACN۱CM۹CF۲۱۱۰۳۴ مفقود شده و درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
کاشمر

آگهی مفقودی
برگ سبز موتورسیکلت ممتاز ۲۰۰cc مدل ۱۳۹۵ به شماره انتظامی ۶۳۲- ۲۶۵۲۶ و شماره موتور ۰۱۹۸NBF۲۱۴۰۰۶ و شماره تنه NBF***۲۰۰W۹۵۱۰۸۵۵ به نام علیرضا قاسمی دشتچی مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد. رهنان

نوبت دوم

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب مریم حزنیان فرزند حسن با شماره شناسنامه ۹۸ کد ملی ۲۱۶۱۹۱۲۴۶۱ صادره از قائم شهر در مقطع کاردانی رشته علوم تجربی صادره از واحد دانشگاهی قائم شهر با شماره سریال ۶۸۱۵۳ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر به نشانی:قائم شهر کیلومتر ۷ جاده نظامی، دانشگاه فنی و مهندسی، واحد دانش آموختگان با کدپستی ۴۷۶۵۱۶۱۹۶۴ ارسال نمائید. (قائم شهر)

کارت وسندوبرگ سبز موتور سیکلت مدل ۱۴۰۱به رنگ زرشکی وشماره پلاک ۱۷۸۱۸-۸۴۱وشماره موتور ۰۱۲۴N۱۴۲۰۱۱۵۵وشماره شاسی N۱۴AVPKDAN۱B۱۲۹۰۶ مفقودگردیده وازدرجه اعتبارساقط میباشد.

برگ سبز، سند کمپانی و کارت شناسایی خودرو وانت نیسان تیپ ۲۰۰۰ برنگ آبی روغنی مدل ۱۳۶۱ به شماره انتظامی ۵۱ ایران ۴۵۵ ب ۱۱ و به شماره موتور ۰۷۴۶۸۵ و شاسی ۰۶۷۴۸۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. (تنکابن)

سندمالکیت(برگ سبز) خودرو وانت نیسان ۲۰۰۰ مدل ۱۳۶۳ به شماره انتظامی ۴۶۵ع۱۶ایران۱۸ به شماره موتور ۱۲۹۰۵۰ و شماره شاسی ۰۷۶۰۱ بنام اینجانب بهمن شاه سواری مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط است ملایر

برگ سبز خودرو زامیاد مدل ۱۳۹۸به رنگ ابی وشماره پلاک ۹۴-۳۶۳ص۱۸وشماره موتور Z۲۴۸۳۹۸۱۴Zوشماره شاسی NAZPL۱۴۰TL۰۵۷۹۶۸۵ بنام‌اسماعیل دادکی مفقودگردیده وازدرجه اعتبار ساقط میباشد.

سندمالکیت(برگ سبز) خودروسواری پراید مدل ۱۳۷۷ به شماره انتظامی ۲۴۹ق۳۴ایران۵۷ به شماره موتور ۰۶۷۵۰۵ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۷۷۵۵۴۴۶۲ بنام اینجانب سعیدصفائی نیا مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط است ملایر

سند خودروی سواری سایپا تیپ ۱۳۱SE مدل ۱۳۹۷ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ۶۱-۲۷۷و۳۶ به شماره موتور۱۳/۶۱۵۸۷۰۳M به شماره شاسی۳۴۶۱۶۴۳S۴۱۱۱۰۰J مربوط به خانم هیرو فاروقی فرزند عبدالسلام به ملی ۳۸۱۰۳۵۸۶۵۷ مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط میباشد(مریوان)

سند خودروی سواری سایپا تیپ ۱۳۱SE مدل ۱۳۹۴ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ۶۱-۹۸۹ص۴۸ به شماره موتور ۵۴۵۴۸۳۰ به شماره شاسی NAS۱۱۱۰۰F۳۴۳۷۱۲۱ مربوط به آقای محمدکریم بادرنگبویه فرزند محمد به ملی ۳۸۲۰۵۲۶۹۹۴ مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط میباشد(مریوان)

برگ سبز و سند کمپانی موتورسیکلت انژکتوری جهان تند CLICK۱۶۰ مدل ۱۴۰۱ به رنگ سیاه و به شماره پلاک ۲۱۱۷۴/۱۴۲ و شماره موتور KFA۱E۱۰۵۲۹۹۳ و شماره شاسی K۳YDMWCGPNKB۰۱۱۹۸ به نام حسن پای مزد فومنی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز و سند کمپانی و کارت خودرو سواری پژو آر دی آی ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۵ بشماره انتظامی ایران ۵۴-۵۷۵ ب ۸۵ و شماره موتور ۱۱۷۸۵۰۰۳۹۲۴ و شماره شاسی ۱۳۴۹۷۶۶۰ بنام عباسعلی دره زرشکی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.یزد

برگ سبز و کارت خودرو سواری TARA TU۵P LX AT۶ مدل ۱۴۰۵ بشماره انتظامی ایران ۸۳-۶۶۴ ج ۹۶ و شماره موتور ۱۸۷B۰۲۲۲۵۰۰ و شماره شاسی NAAY۲۱H۵ETDP۰۰۴۵۷ بنام راضیه شریفی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.یزد

برگ سبز وکارت خودرو سایپا۱۳۱ به رنگ سفیدوشماره پلاک ۹۴-۹۱۵ب۵۸وشماره وشماره موتور ۴۶۵۲۹۱ و شماره شاسی S۳۴۱۲۲۹۱۴۵۰۹۲۹ بنام نادر رستمی مفقودگردیده وازدرجه اعتبارساقط میباشد.

پلاک وکارت وبرگ سبز خودرو پژو۴۰۵به رنگ نقره ای وشماره پلاک ۹۴-۲۲۲ص۴۴وشماره موتور ۱۲۴۸۶۰۷۶۳۷۶وشماره شاسی۴۰۳۸۱۲۰۴بنام زهرا اسلامی مفقودگردیده وازدرجه اعتبارساقط میباشد

کارت دانشجویی شماره ۱۴۰۰۱۱۲۴۱۰۰۹ متعلق به اینجانب شکیبا حاتمی فرزند یزدان دانشجو مقطع کارشناسی رشته علوم و مهندسی محیط زیست دانشگاه ملی ملایر مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است ملایر

مدارک برگ کمپانی و سند برگ سبز خودرو جک J۴ مدل ۱۴۰۳ به رنگ مشکی به شماره انتظامی ۳۳-۶۶۲ب۶۴ و شماره شاسی HFC۴GB۲۳DR۰۰۰۶۱۱۰ و شماره موتور NAKNF۷۵۲۶RB۱۴۲۱۰۲ متعلق به حسن جدیدوند مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مدارک سند خودرو روآ مدل ۸۶ به رنگ نوک مدادی به شماره انتظامی ۸۳ل۷۳۳۴۰ و شماره شاسی ۶۱۲۲۱۹۸۸ و شماره موتور ۱۱۶۸۶۰۹۳۳۱۱ متعلق به اکبر نقابی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سندمالکیت(برگ سبز) خودروسواری پراید مدل۱۳۸۷ به شماره انتظامی ۹۴۱ج۵۹ایران۲۸ به شماره موتور ۲۶۰۸۵۷۳ وشماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۵۳۵۲۸۲ بنام اینجانب ولی بهزادی مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط است ملایر

برگ سبز خودرو وانت آریسان۲ اینجانب ابوالفضل داودآبادی فراهانی با کد ملی ۰۵۳۵۰۳۱۵۸۰ و شماره نیروی انتظامی ۷۱۴ ل ۶۷ ایران ۴۷ وشماره موتور